

یادداشت



دکتر سید هادی زرقانی
هیئت علمی دانشگاه فردوسی



حاج قاسم و امنیت ملی ایران؛

بررسی ایده دفاع پیش‌دستانه از نگاه حاج قاسم



اشاره | در نظام بین‌الملل، حکومت‌ها برای تضمین منافع و امنیت ملی خود، سیاست‌ها و راهبردهایی را در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و... طراحی و اجرا می‌نمایند. علی‌رغم اینکه بعد از دوران جنگ سرد و در فضای جهانی شدن‌ها، اقتصاد و مناسبات ژئواکونومیک به اولویت اول بسیاری از کشورها تبدیل شد (۱)، اما تحولات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جهان در دهه گذشته، بار دیگر اهمیت حوزه دفاع و امنیت را برای حکومت‌ها برجسته نمود. جهانی شدن تروریسم در طی دو دهه گذشته، تهدیدهای نظامی آمریکا علیه کره شمالی، تهدید چین علیه تمامیت ارضی تایوان، حمله روسیه به اوکراین؛ همگی حاوی این هشدار برای حکومت‌های مختلف بود که از فضای خلسه‌آور صلح و آرامش جهانی و غلبه ژئواکونومیک بر ژئوپلیتیک، فاصله گرفته و بار دیگر حوزه دفاع و امنیت را مورد توجه جدی قرار دهند. بدیهی است که این گفته، به معنای نادیده گرفتن اقتصاد به عنوان موتور محرکه توسعه کشورها نیست، چنانکه حتی قدرت نظامی و دفاعی کشورها، اساساً وابسته به وجود یک اقتصاد پویا و امکان تامین منابع عظیم مالی برای بخش دفاع و نظامی آن کشورها است (۲).

دفاع پیش‌دستانه و برخورد دوگانه با آن

سیاست‌ها، دکترین و راهبردهای دفاعی و نظامی کشورها، تابعی از میزان قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی آن‌ها است (۳). بر این اساس، کشورهایی که در رأس نظام ژئوپلیتیک جهانی قرار دارند، مقدرات فراوان و محذورات اندک دارند و برعکس، کشورهای با میزان قدرت کمتر در رده‌های میانی و پائینی نظام ژئوپلیتیک جهانی قرار دارند و به طور طبیعی، دارای محدودیت‌ها و محذورات فراوان و مقدرات بسیار کمی هستند (۴). در این چارچوب، کشورهای قدرتمند، تلاش می‌کنند تا با طرح راهبردهای نظامی و دفاعی، به قطعی‌ترین وجه ممکن، منافع و امنیت ملی خود را تامین نمایند. دکترین یا به عبارتی راهبرد «دفاع پیش‌دستانه»^۱، از جمله طرح‌های دفاعی قدرت‌های بزرگ است که در راستای تامین منافع و امنیت ملی، آن را طراحی و اجرا می‌نمایند.

«دفاع یا جنگ^۲ پیش‌دستانه»، پاسخ مسلحانه به یک حمله قریب‌الوقوع و نیز هنگامی است که حمله‌ای اتفاق افتاده و دولت قربانی دریافته که حملات بیشتری در حال طراحی است (۵). مفهوم «پیش‌دستانه» یکی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که در حوزه «دفاع مشروع» مطرح می‌شود (۶). دفاع مشروع در اکثر نظام‌های حقوقی رایج در دنیا و همچنین، حقوق داخلی کشورها از جمله عوامل رافع مسئولیت است که بر اساس شرایط تعیین شده، وارد آورنده زیان را از جبران خسارت معاف می‌سازد (۷). در دفاع پیش‌دستانه مستندات و دلایل قوی و روشنی برای تهاجم به مواضع نظامی کشور مقابل وجود دارد و فوری و قطعی بودن اصل تهدید، نکته محوری است. از این رو،

۲. لازم به ذکر است در متون مختلف از هر دو واژه «جنگ پیش‌دستانه» و «دفاع پیش‌دستانه»، استفاده شده است. لکن به نظر می‌رسد به منظور مشروعیت بخشی بیشتر به این‌گونه اقدامات نظامی، «دفاع پیش‌دستانه» بیشتر مطرح است. در واقع، در واژه «دفاع پیش‌دستانه» اقدام نظامی از آن جهت که جنبه دفاعی دارد تا تهاجمی، از مشروعیت ظاهری بیشتری برخوردار است.

1. Preemptive Self-defense

اما هنگامی که همین اقدام از سوی کشورهای دیگر، مانند جمهوری اسلامی ایران و در عمق راهبردی اش، در راستای دفع تهدیدات تروریستی داعشی و تکفیری صورت می‌گیرد، از آن به عنوان اقدامی غیر مشروع و برهم زننده ثبات و امنیت منطقه‌ای تعبیر می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد این مفهوم حقوقی، هنگامی به محل مناقشه تبدیل می‌شود که مطابق سیاست و سلیقه فردی قدرت‌های برتر جهانی، تفسیر به رأی شده و ضمن ایجاد بدعت در نظام بین‌الملل و تضعیف ساختارهای حقوقی، تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها را نقض و درنهایت، جان انسان‌ها و صلح جهانی را به مخاطره می‌اندازد.

جنگ ترکیبی غرب علیه جبهه مقاومت و ایران

طی دو دهه اخیر، همراه با افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در عرصه نظامی و احتمال تغییر در ساختار و مناسبات ژئوپلیتیکی منطقه، ایالات متحده آمریکا به همراه برخی قدرت‌های نظام سلطه و کشورهای منطقه، جنگ ترکیبی را در دستور کار خود قرار دادند. در این راستا، تشکیل فرقه‌های انحرافی اعتقادی (با دیدگاه‌های تکفیری و سلفی) توسط آمریکا و پشتوانه مالی و فکری وهابیت در عربستان - که نتیجه آن، تشکیل گروه‌هایی چون طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره و... در منطقه بود- صرفاً با هدف اختلاف‌افکنی در جهان اسلام به عنوان مؤلفه اصلی تقویت عمق راهبردی جمهوری اسلامی، صورت پذیرفت تا از این طریق، با راه‌اندازی جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای تمرکز دنیای اسلام را از مسئله فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی به درگیری‌های داخلی معطوف نماید (۱۲). نمونه بارز این امر، درگیری عراق و سوریه با عنصر تکفیری

کشور مهاجم با فرض حمله فوری و اجتناب‌ناپذیر دشمن و فرصت‌اندکی برای جلوگیری از آغاز آن، اقدام به حمله نظامی می‌کند و غالباً به شرطی که مستندات و دلایل برای مجامع بین‌المللی قانع‌کننده باشد، این نوع حملات پیش‌دستانه از نظر حقوق بین‌الملل، قابل بررسی است، اما در صورت فقدان شواهد متقاعدکننده مبنی بر حملات آتی، توسل به نیروی مسلحانه تحت لوای دفاع از خود، غیرقانونی و غیر مشروع خواهد بود. دفاع مشروع پیش‌دستانه بعد از حملات ۱۱ سپتامبر در دکتترین کشورهای غربی، جایگاه خاصی پیدا کرد و این کشورها با توجه به توان نظامی و مالی خود، در پی قابل قبول جلوه دادن این دکتترین هستند (۸). در آن ایام، ایالات متحده آمریکا به بهانه مقتضیات زمان، با توسعه مفهوم سنتی دفاع مشروع، قرائتی خودساخته از دفاع مشروع پیش‌دستانه ارائه نمود (۹). در حالی که پشت پرده این لفاظی، حقیقتاً پیشبرد سیاست تهاجم پیشگیرانه (نه پیش‌دستانه) بود. بوش به جای اعتراف به توسل به تهاجم پیشگیرانه، سیاست خود را دفاع بازدارنده می‌نامید که یک فریب بود (۱۰).

این متن، نگرشی حقوقی به موضوع دفاع پیش‌دستانه ندارد، بلکه یک تحلیل ژئوپلیتیکی از آن ارائه می‌دهد. بر این اساس، نوع تفسیر برای حمله نظامی یک کشور در راستای دفع یک تهدید، به وزن ژئوپلیتیکی آن و جایگاه کشور در نظام ژئوپلیتیک جهانی بستگی دارد. چنانکه تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان و عراق بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر - که به عقیده بسیاری از حقوق‌دانان، در واقع «جنگ پیشگیرانه» بوده است - (۱۱)، «دفاع پیش‌دستانه» تلقی شده و در چارچوب دکتترین دفاع مشروع تفسیر می‌شود؛



بخش‌های دیگری از سرزمین این کشورها توسط داعش اشغال شد. علاوه بر این که زیرساخت‌های شهری و شهروندان دو کشور عراق و سوریه، مرتب توسط عملیات تروریستی و انتحاری مورد حمله قرار می‌گرفت.

استفاده ج.ا.ایران از استراتژی دفاع پیش دستانه علیه داعش

نزدیک شدن نیروهای داعش به مناطق مرزی ایران به ویژه در مناطق کردستان عراق، افزایش تهدید عملیات تروریستی در ایران (مانند عملیات تروریستی

تروریستی داعش در سالیان اخیر است که جمهوری اسلامی را به دخالت در راستای دفاع در عمق راهبردی خود، واداشته است. ایجاد گروه تروریستی داعش و حمایت‌های گسترده مالی، اطلاعاتی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از این گروه، موجب اشغال بخش‌هایی از کشور سوریه و عراق و تشکیل دولت اسلامی عراق و شام شد. درگیری‌های شدید این گروه تروریستی با دولت‌های قانونی سوریه و عراق، موجب بی‌ثباتی شدید و فزاینده در این دو کشور شد، به نحوی که روز به روز نیروهای دولتی تضعیف شده و در مقابل،

و برخورد شدید و مقتدرانه بود، اما نگرش او نسبت به کشورها و ملت‌های منطقه، فارغ از مناسبات ژئوپلیتیکی و برپایه مهربانی و عطوفت اسلامی بود.

منابع

۱. عزتی، عزت الله، (۱۴۰۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یک، چاپ هشتم، تهران: سمت.
۲. موسوی زارع، سید جواد، زرقانی، سید هادی، امیر فخریان، مصطفی، (۱۴۰۱)، بررسی توانمندی نظامی کشورها در قدرت نرم، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۸، شماره ۱، ص ۷۱-۴۴
۳. حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی
۴. سیف زاده، حسین، (۱۳۸۵)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ص ۱۱۹
۵. بهستانی، مجید، ۱۳۸۷، دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل جدید، فصلنامه پژوهشی گواه، شماره ۱۲، ص ۱۴۷-۱۵۰
۶. رسولی ثانی آبادی، الهام، (۱۳۹۶)، دفاع پیشگیرانه، به نقل از سایت راسخون، ۲۴ آبان ۱۳۹۶
۷. رفیعی، سید کمال الدین، (۱۳۸۲)، بررسی حقوقی دکترین دفاع پیش‌دستانه، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۴۴، ص ۶۱-۷۸
۸. موسوی، سید فضل الله، حاتمی، مهدی؛ (۱۳۸۵)، دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۷۲، ص ۳۲۴-۳۰۳
9. Beinart, Peter, 2017, how America Shed the Taboo against Preventive War, at: theatlantic.com, Apr 21, 2017
10. Reisman, w, (2001), In Defense of World Public Order, American Journal of International Law

داعش در مجلس و مرقد حضرت امام) از یک سو و درخواست کمک دو دولت قانونی سوریه و عراق از جمهوری اسلامی ایران، موجب مداخله ایران و مقابله با تهدید داعش به عنوان «دفاع پیش‌دستانه» شد. بدین ترتیب، با تدبیر و محوریت نیروهای تحت امر سردار شهید سلیمانی، ایران به مقابله با تهدید بزرگ داعش پرداخت و توانست با کمک نیروهای نظامی و بسیج مردمی دو کشور عراق و سوریه، این فتنه بزرگ منطقه‌ای را دفع نماید. شکست داعش نه تنها مناطق وسیعی از کشور عراق و سوریه را از اشغال این گروه آزاد کرد، بلکه سطح قابل قبولی از امنیت و ثبات را به دو کشور عراق و سوریه برگرداند. **بدون تردید، راهبرد «دفاع پیش‌دستانه» ایران در مقابله با داعش و بازگشت امنیت و ثبات به کشورهای همسایه و متحد ایران، به معنای تضمین امنیت ملی ایران نیز است.** در چنین شرایطی، این گونه اقدامات ایران برای تأمین امنیت کشورهای منطقه و خود، از سوی قدرت‌های نظام سلطه، نامشروع و برخلاف ثبات و امنیت منطقه‌ای تفسیر می‌شود، حال آن‌که تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان، عراق و سوریه در چارچوب دکترین دفاع مشروع و به بهانه مقابله با تهدیدات امنیت ملی آمریکا، موجب تلفات بسیار زیاد انسانی و مادی برای این کشورها گردید و ثبات و امنیتی را برای منطقه به ارمغان نیاورد. فرجام سخن آنکه، **نگرش انسان دوستانه، فراملی و فراقومی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مورد ملت‌های منطقه، باعث شد تا شخص او و همراهان متعهدش، نهایت تلاش و ایثار را برای جنگ با داعش و بازگشت ثبات و امنیت به کشورهای منطقه داشته باشند و در این مسیر، جان شیرین خویش را نیز فدا نمایند.** حاج قاسم اگرچه در تقابل با دشمنان و قدرت‌های سلطه‌گر، اهل محاسبه دقیق